

تبلیغ و مبلغان و خطابه

گفتگو با حجة الاسلام والمسلمین محمودی بهبهانی

انصاری بود، تحصیل کردم. در زمان حیات آیه الله العظمی بروجردی رحمته به قم آمدم و از محضر اساتید: آیه الله ستوده، آیه الله اعتمادی و آیه الله سلطانی و یک سال هم در درس خارج آیه الله بروجردی و همزمان در درس حضرت امام رحمته و حضرت آیه الله گلپایگانی کسب فیض نمودم. در سن ۲۲ سالگی، در امتحان درس خارج شرکت کردم و قبول شدم؛ اما بیشتر وقت من را منبر و تبلیغ گرفته است؛ به طوری که حدود ۴۵ سال

۱. از فرصتی که در اختیار مجله مبلغان قرار دادید، تشکر می‌کنم. لطفاً خلاصه‌ای از زندگی علمی و فرهنگی خود را بیان کنید؟
بنده عبد السید محمودی، اهل یکی از روستاهای اطراف شهرستان بهبهان هستم که از سن ۱۳ سالگی وارد حوزه علمیه بهبهان شدم. در مدرسه علمیه امام زاده ابراهیم، به سرپرستی حضرت آیه الله حاج شیخ عبد الهادی مجتهدی که یکی از علمای به نام آن دوران بود، مشغول تحصیل شدم و یک سال هم در حوزه علمیه اهواز که تحت اشراف حضرت آیه الله العظمی

شب. شاید این جمله برای یک عده‌ای قابل قبول نباشد! آیا می‌شود با تبلیغ شب را روز و روز را شب کرد، مریض را سالم و سالم را مریض کرد، و حق را باطل و باطل را با حق جلوه داد؟ بله، می‌شود با تبلیغ شب را روز و روز را شب کرد.

در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام که خانه‌زاد کعبه و فرزند قرآن است شاعر عرب می‌گوید:

لَأَنْ قِيلَ اسْلَامٌ وَمَا قِيلَ حَيْدَرٌ

فَذَلِكَ قَلْبٌ لَمْ يَبْدُءْ دَمٌ

یعنی اگر [بیایید و] بگویید: اسلام بدون علی علیه السلام، مثل این است که بگویید: قلب بدون خون. ولی با تبلیغ کار به جایی رسید که مردم از شهرهای اطراف شام، بحث می‌کردند که اگر کسی در نماز جمعه، علی علیه السلام را لعن نکنند، آیا خداوند نماز او را قبول می‌کند یا نه؟ این یک نقشه باطل است؛ یعنی در مسیر باطل این قدر تبلیغ مؤثر بوده است. بنابراین، اگر تبلیغ الهی باشد، پیداست که خیلی مؤثر می‌باشد.

است که منبر می‌روم؛ یعنی از سال ۱۳۴۲ تبلیغ رسمی من آغاز شد و در خیلی از استانها و شهرهای کشور سخنرانی کرده‌ام.

در مدت تبلیغ نیز کارهای فرهنگی زیادی داشته‌ام؛ از جمله آنها: مدرسه علمیه مکتب زینب الکبری علیها السلام - که در سال ۱۳۵۶ در قم تأسیس کردم - و همچنین ساختن مسجد و حسینیه و مدارس علمیه در شهرستانهای مختلف است.

۲. لطفاً در مورد اهمیت تبلیغ توضیح

دهید.

تبلیغ را از چند جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. از جهت ارزش تبلیغ: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِحَلْفِيهِ»^۱ یعنی بالاترین مقام در نزد خداوند برای کسی (مبلغی) است که در زمین می‌گردد و برای مردم تبلیغ می‌کند. این از نظر ارزش معنوی تبلیغ.

۲. از جهت دنیوی: الآن می‌گویند: با

تبلیغ می‌شود شب را روز کرد و روز را

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۵.

۴. به نظر شما برای توفیق بیشتر در

تبلیغ، چه نکاتی را باید رعایت کرد؟

۱. شرح صدر: حضرت موسی علیه السلام

در قرآن همه چیز دارد؛ یعنی معجزه دارد، ید بیضاء دارد؛ اما با این حال، از خدا می خواهد: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُفْ عُقْدَةَ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»^۱؛ «خدایا! به من شرح صدر عطا فرما و امورم را آسان گردان و گره و لکنت را از زبانم بگشا تا سخنانم را بفهمند.»

۲. عامل بودن: روایت داریم که:

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»^۲ مردم را با غیر زبانتان [به سوی کارهای خیر] دعوت کنید!

البته اینکه می گویند:

سخنی کز دل بر آید

لاجرم بر دل نشیند

همیشه این طور نیست و ممکن

است در دل اثر نگذارد؛ اما مبلغ نباید از

تبلیغ خود مأیوس شود. حضرت

علی علیه السلام اصلاً غیر الهی حرف نمی زد؛

۳. از جهت سیاسی: در اینجا فرق

بین تبلیغ دینی و غیر دینی مشخص می شود. در تبلیغات سیاسی غیر دینی، هدف ریاست، قدرت و مسلط شدن بر مردم است. هدف نیرنگ و فریب است و الهی نیست؛ اما همین هم تأثیر دارد، همچون زمان معاویه.

۳. به نظر شما با توجه به گسترش

ابزارها و شیوه های جدید تبلیغ، آیا تبلیغ به شکل سنتی می تواند در دنیای امروز مؤثر باشد؟

ما باید با امکانات پیش برویم. دنیا

امکاناتش خیلی وسیع است و ما روایت داریم که از امیر المؤمنین علیه السلام که می فرمایند: «أَدْبُوا صِبْيَانَكُمْ لِغَيْرِ زَمَانِكُمْ؛

بچه هایتان را برای غیر از زمان خود

تربیت کنید!» یعنی بچه ات را برای

بیست سال دیگر مجهز کن! ما اگر

بتوانیم تبلیغاتمان را وسیع کنیم، بسیار

خوب است.

اما در عین حال، به قول حضرت

علی علیه السلام: «مَا لَأَيُّدُرُّكَ كَلْمَةُ لَأَيُّتُرُّكَ كَلْمَةُ»^۱

حالا که نمی توانیم آن قدر وسیع و

دامنه دار تبلیغ کنیم، همین مقدار که

هست، باید غنیمت شمرد و استفاده کرد.

۱. عوالی اللالی، ج ۴، ص ۵۴، ح ۲۰۷.

۲. طه / ۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

سابقاً هر جلسه‌ای که
تشکیل می‌شد، یک نفر را
به عنوان مسئله گو دعوت
می‌کردند که برای مردم
احکام بگوید. قدیم ما
متخصص احکام داشتیم،
مثل مرحوم تربتی و حاج
شیخ عبد الله اصفهانی.
الآن هم باید این طور
باشد

شنونده هم لیاقت داشته باشد.
گوهر پاک بپاید که شود قابل فیض
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود
۳. مخاطب‌شناسی: هر سخن جایی
و هر نکته مکانی دارد. نقل کرده‌اند که:
مرحوم آیه الله آقا سید ابوالحسن
اصفهانی، هفته‌ای یک روز منزلشان
روضة داشتند. یک آقایی را دعوت
کرده بودند تا منبر برود. چند نفر از
مستمعین هم از علمای به نام نجف
بودند. این آقا در آنجا روی منبر، در
باره شراب و عرق خوری و حرمت آن
صحبت می‌کرد که هیچ تناسبی با
مجلس نداشت.

۵. به نظر شما مبلغ برای تهیه محتوای
سخنرانی باید در چه زمینه‌هایی فعالیت و
مطالعه داشته باشد؟

۱. قرآن، تفسیر قرآن و شأن نزول
آیات؛ ۲. روایات، مخصوصاً
نهج البلاغه؛ ۳. تاریخ؛ ۴. لطیفه؛
۵. اشعار گوناگون (برای مصیبت، پند،
ایجاد نشاط و تفریح).

۶. آیا شما در منبرتان، احکام شرعی را
بیان می‌کنید؟

سابقاً هر جلسه‌ای که تشکیل

اما برای ابن ملجم کوچک‌ترین اثری
نداشت. پیامبر اکرم ﷺ سخنانش برای
ابوجهل و ابوسفیان و حتی در خانه‌اش
برای بعضی از همسرانش اثر
نمی‌گذاشت. امام حسین علیه السلام روز
عاشورا آن قدر نصیحت کرد و اثر
نکرد. بله، انسان اگر عامل باشد، خیلی
مؤثر است؛ اما این طور نیست که کلیت
داشته باشد. باید قلب هم صاف باشد و

فریدون کنار منبر می‌رفتم. بعد از مدتی یک خانمی نامه‌ای نوشته بود که من زیاد به مسائل اسلامی پایبند نبودم. ولی من در آنجا بحث معاد و آخرت را مطرح کرده بودم که در این خانم اثر گذاشته بود و توبه کرده بود. ما اگر بتوانیم غیر مستقیم و توأم با مهربانی صحبت بکنیم، بسیار در تحریک احساسات مخاطب مؤثر می‌باشد.

۸. خاطره‌ای از سفرهای تبلیغی خود را بیان کنید.

سال ۵۸ شب عاشورا در شهرستان تویسرکان منبر رفتم. در هنگام مصیبت، چراغها را خاموش کردند. دیدم که زنها خیلی سر و صدا می‌کنند؛ به اندازه‌ای که من در همان تاریکی عصبانی شدم و داد زدم. یک کسی خودش را به من رساند و به من گفت که فلانی! مسجد را محاصره کرده‌اند و می‌خواهند تو را بگیرند و زنها فهمیده‌اند که می‌خواهند شما را بگیرند، دارند سر و صدا می‌کنند و می‌گویند: توی این تویسرکان یک مرد وجود ندارد که این طلبه را نجات بدهد که گیر مأمورین نیفتد؟

می‌شد، یک نفر را به عنوان مسئله گو دعوت می‌کردند که برای مردم احکام بگوید. قدیم ما متخصص احکام داشتیم، مثل مرحوم تربتی و حاج شیخ عبدالله اصفهانی. الآن هم باید این طور باشد. چطور ما مفسر قرآن داریم و قابل احترام است و او را برای تفسیر دعوت می‌کنند، در زمینه احکام هم باید متخصص داشته باشیم. البته من خودم بعد از خواندن خطبه، حدود ۴ الی ۵ دقیقه احکام می‌گویم و بعد وارد سخنرانی می‌شوم. گفتن احکام برای مردم که الآن چندان واقف نیستند، بر یک مبلغ واجب است.

۷. شرط تحریک عواطف و احساسات

مخاطبان چیست؟

تحریک احساس خیلی مؤثر است، اما به شرط اینکه در چارچوب روایات باشد. خوب، یک عده تحریک احساسات می‌کنند، اما با بدگویی دیگران؛ مثلاً فرض کنید ما می‌خواهیم در جمع زنان در باره حجاب صحبت کنیم، نباید یک زن بدحجاب را تحقیرش کنیم که دیگر اصلاً به جلسات مذهبی نیاید. من در

یک چیزی گفته بود. یکی از علمای معروف ساکت بود و هیچ چیزی نگفت. مرحوم فلسفی گفت: شما هم چیزی بگویید! گفت: آقای فلسفی! وقتی رفتی بالا منبر، تیمسارها و ارتش‌بدها و وزرا و سفرا و همه مسئولین هستند، اون گوشه مجلس را هم نگاه کن که پیامبر اسلام ﷺ یا امام صادق ﷺ ایستاده - این جمله تعبیر من است که دستش را به ریشش گرفته - و می‌فرماید: فلسفی با دین من بازی مکن!

۴. روایت داریم که «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ تَكَفَّلَ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقِهِ»^۱ خداوند روزی کسی را که دنبال علم رود، به عهده گرفته است. «پس خدا ضامن رزق ماست. مبلغ باید این روایت را مد نظر قرار دهد.

با تشکر از شما به خاطر فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

موفق باشید

من از منبر پایین آمدم. گفتند: لباس‌هایت را عوض کن؛ چون دور مسجد را محاصره کرده‌اند. گفتم: من لباس‌هایم را بیرون نمی‌آورم؛ لباس افتخار من است. من را اگر باکت و شلوار بگیرند، نمی‌گویند مبارز اسلام را بسین؟ بالاخره مرا از بیراهه به خانه‌ای بردند؛ اما تا فهمیدند که دنبال من هستند، من را از خانه بیرون کردند تا اینکه به یک خانه روحانی رفتم. آنجا یکی از افراد پادگان نوزه همدان مرا با ژبان از شهر خارج کرد و به قم آورد. این یکی از خاطرات شیرین من است.

۹. چه توصیه‌هایی به مبلغان دارید؟

۱. در تبلیغ نیت خود را خالص

کنیم.

۲. با وضو منبر برویم.

۳. آنچه که امام زمان ﷺ

می‌پسندند، بگوییم. در زمان شاه، برادر شاه به نام علیرضا (شاه پور علی) کشته شده بود. آقای فلسفی ﷺ را دعوت کرده بودند که منبر برود. آقای فلسفی این مسئله را در میان عده‌ای از علما مطرح کرده بود که اگر تذکری دارند، بفرمایند. هر کدام از این علما

۱. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۰۷۲.